

مطالعه داده بنیاد جذب جوانان شهر یزد به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

محسن شاکری ۱

نجمه غیرتمند ۲

مهدی تولایی ۳

فهیمة پاک‌زبان ۴

چکیده

پژوهش حاضر در صدد طراحی الگوی جذب جوانان شهر یزد به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس نظریه مبنایی بود. رویکرد پژوهش، کیفی و روش پژوهش، «نظریه مبنایی» انتخاب گردید؛ و از میان رویکردهای موجود، رویکرد نظام‌مند استراوس و کربین برگزیده شد. گروه هدف شامل اساتید و مربیان حوزه‌ی آموزش فنی و حرفه‌ای بودند. انتخاب مشارکت‌کنندگان با استفاده از روش «نمونه‌گیری نظری» انجام شد. ابزار پژوهش «مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته» بود. مصاحبه‌ها تا تعداد ۱۲ مورد انجام شد و اشباع نظری حاصل گردید. روش تحلیل داده‌ها به شکل «کدگذاری» و «مقوله‌بندی» انجام شد و داده‌ها در سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. برای تعیین اعتبار داده‌ها، از روش «سه‌سوسازی» استفاده گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد پدیده اصلی جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌باشد؛ همچنین موجبات علی شامل: کیفیت ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، و حمایت و پشتیبانی؛ راهبردها شامل: پذیرش و جذب؛ ویژگی‌های زمینه‌ای شامل: زمینه‌های سخت‌افزاری- مالی، و زمینه‌های قانونی- انسانی؛ شرایط مداخله‌گر محیطی شامل: شرایط اقتصادی، فناوری و سیاست‌گذاری و پیامدها شامل: پیامدهای فردی- سازمانی، و پیامدهای اجتماعی می‌باشد. نتایج نشان داد یافته‌های کسب شده می‌تواند مطابق با ویژگی‌ها و شرایط شهر یزد، پدیده جذب جوانان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را در قالب یک الگوی جامع ترسیم کند.

واژگان کلیدی: جذب جوانان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، رویکرد کیفی، روش پژوهش نظریه‌ی مبنایی

۱ استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه یزد shakerimohsen@yazd.ac.ir

۲ فوق لیسانس آموزش و بهسازی منابع انسانی

۳ استادیار گروه روانشناسی مؤسسه آموزش عالی امام جواد (ع)

۴ فوق لیسانس آموزش و بهسازی منابع انسانی

مقدمه

با توجه به نقش انسان در امر توسعه و اهمیت روزافزون آن نسبت به سایر منابع، توسعه منابع انسانی به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. توسعه منابع انسانی به طور عمده با آموزش‌های رسمی، غیررسمی، مستمر یا ضمنی تأمین می‌شود؛ لذا آموزش و پرورش، هم یکی از عوامل خدمات اجتماعی محسوب می‌شود و هم نوعی سرمایه‌گذاری اقتصادی است که باعث تسهیل رشد و توسعه انسانی خواهد شد. بر این اساس نیروی انسانی کارآزموده یکی از عوامل تعیین کننده رشد و توسعه کشورها به حساب می‌آید و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از بخش‌های مهم و مؤثر در تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه‌ماهر است (جعفری هرندی، ۱۳۹۴). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اهداف متعددی را دنبال می‌کنند. هدف اصلی آن آماده‌سازی جوانان برای کار از طریق یادگیری و توسعه مهارت‌های مرتبط با کار و تسلط بر دانش اساسی و اصول علمی است (بیلِت، ۲۰۱۱). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌تواند با انتقال مهارت و شایستگی مورد نیاز، پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر بازارکار و برابری فرصت‌ها را برای همه افراد محقق سازد و قدرت رقابت در بازارهای جهانی را ایجاد کند (نوری، یارمحمدیان و نادی، ۱۳۹۸). انتقال مهارت‌های عملی و آمادگی کاری در هسته اصلی سیاست‌ها برای ادغام جوانان در بازار کار و ویژگی بارز آموزش و آموزش فنی و حرفه‌ای است. آموزش فنی و حرفه‌ای پتانسیل بهبود اشتغال، بهره‌وری و معیشت کارگران جوان در کشورهای در حال توسعه را دارد (لوین، وبر و پلا، ۲۰۲۱). همچنین از منظر توسعه، آموزش فنی و حرفه‌ای با افزایش بهره‌وری کارگران، رشد اقتصادی را تسهیل می‌کند. بازده حاصل از افزایش تولید بسیار بیشتر از هزینه‌های آموزش مستقیم و غیرمستقیم است که منجر به رشد اقتصادی می‌شود (هوکل، ۲۰۰۸). آموزش فنی و حرفه‌ای مانند هر شکل دیگری از آموزش، توسعه اقتصادی-اجتماعی را با افزایش ظرفیت افراد برای اتخاذ شیوه‌هایی که از نظر اجتماعی ارزشمند هستند، تسهیل می‌کند (مک‌گراث، ۲۰۱۱). در این میان، کیفیت، مهارت و شایستگی فارغ‌التحصیلان فنی و حرفه‌ای تا حد زیادی تابع کارایی هنرآموزان این نظام، آمادگی آنان برای تدریس، آگاهی آنان از روش‌ها و وسایل نوین آموزشی و تحولات

۱ Billet

۲ Levin, Weber & Pela

روزآمد دانش می‌باشد و از طرفی شکاف در دانش و تخصص نیروی کار را کاهش می‌دهد (برینیا، ۲۰۱۱). لذا، ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای هنرآموزان فنی و حرفه‌ای، از جمله تدابیر مؤثر برای تضمین کیفیت در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و متعاقب آن، بهبود مستمر کیفیت آن است (امین خندقی، جامه بزرگ و سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱). با توجه به انتزاع دانشکده‌ها و آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای از وزارت آموزش و پرورش و تأسیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای به عنوان یک دانشگاه نوپا و سیاستگذاری و تأکید دولت در خصوص ضرورت توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارایی و اثربخشی دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی و کارشناسی فنی و حرفه‌ای و کیفیت ارائه خدمات در محیط کار، بایستی آموزش‌های مربوطه برای این گروه از کیفیت لازم و کافی برخوردار باشد تا زمینه‌های خلاقیت و نوآوری، کارآفرینی و توسعه مهارت‌ها منجر به فراهم آوردن اشتغال شود. از طرفی با توجه به این نکته که دانشگاه فنی و حرفه‌ای در افق چشم انداز به عنوان یک دانشگاه توانمند در زمینه تربیت نیروی انسانی ماهر، شایسته و متناسب با جامعه دانش بنیان، پیشرفته، صنعتی و در رده جهانی تعریف شده است؛ ابعاد کیفیت آموزشی در این دانشگاه به عنوان یک چالش بزرگ مطرح شده است و یکی از اهداف مهم دانشگاه، ارتقای کیفیت آموزشی و پاسخگویی به نیازهای صنایع در حوزه‌های مهارتی و فناوری می‌باشد (اسکندری پور، حاجی حسین‌نژاد، علی‌عسگری و حسینی‌خواه ۱۳۹۸).

آموزش فنی و حرفه‌ای باید از تربیت افراد برای شغل ویژه که با فراهم کردن مهارت‌ها و دانش لازم برای افراد انجام می‌دهد پا فراتر بگذارد و همراه با آموزش عمومی، شخصیت و منش افراد را نیز پرورش دهد و توانایی درک، داوری، اظهار وجود و سازگاری با محیط‌های گوناگون را در آنان تقویت کند. شاید بنیادی-ترین مانع در راه گسترش آموزش فنی در برخی از کشورهای در حال رشد، همانگونه که در بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز چنین است، وجود نگرش منفی بسیاری از افراد نسبت به این آموزش است. کار دستی و فنی از قدیم به مثابه کاری خوار و پست و فقط درخور افراد بیسواد در نظر گرفته شده است. در نتیجه، در بسیاری از کشورها وضعی موجود است که در اثر آن درصد بزرگی از کسانی که دوره دبیرستان را به پایان می‌برند یا حتی فارغ التحصیل دانشگاه‌ها هستند، صرفاً به این دلیل که شغل‌های اداری کافی برای

آنان وجود ندارد، بیکار می‌مانند. روشن است که نمی‌توان نگرش‌ها را یک شبه دگرگون کرد، اما با آموزش فنی، به عنوان عنصر مکمل نظام آموزشی و با آگاه‌سازی مردم نسبت به امکاناتی که آموزش فنی و حرفه‌ای در اختیار افراد قرار می‌دهد، تغییر نگرش‌ها خیلی سریع انجام خواهد گرفت (تألیف یونسکو، ۱۹۷۳).

در این راستا نتایج پژوهش گودیانا، جوزفین و لیدیا (۲۰۱۹) نشان داد که فشار همسالان در شرکت در این دوره‌ها، علاقمندی یا عدم علاقمندی به این دوره‌ها، وجود مربیان مناسب و متخصص با توجه به جنسیت شرکت‌کنندگان، پشتیبانی خانواده‌ها، کارگاه‌ها، سمینارها و راهنمایی شغلی برای آموزش دانش-آموزان از عوامل موثر بر حضور دانش‌آموزان در این دوره‌ها است. نتایج پژوهش کومار، شروانت و ونکاتا (۲۰۱۹) نشان داد که آموزش رسمی فنی و حرفه‌ای با دستمزدهای بالاتر همراه است و جنسیت مرد و ساکن بودن در شهر شانس شرکت در دوره‌های آموزش رسمی فنی و حرفه‌ای را در این کشور بهبود می‌بخشد. نتایج پژوهش باکا، سیلویا، رامن و کینشاک (۲۰۱۸) نشان داد که متغیرهای استفاده از ابزارهای فنی، بازخورد در زمان واقعی، میزان موفقیت، زمان کار و نتایج یادگیری و همچنین ویژگی‌های ارتباطی، اعتماد به نفس و رضایت فن‌آموزان بر انگیزه حضور آن‌ها در این دوره‌ها تاثیر دارد. نتایج پژوهش جوبینا، با کار و شمسبیه (۲۰۱۴) نشان داد سه متغیر خودپنداره، مشارکت در فعالیت‌های توسعه شغلی و آموزش صنعتی بیشترین سهم را در این تاثیر دارند. نتایج پژوهش ساری، والکانوز، پاندا و پانیت‌سایدز (۲۰۱۳) نشان داد که دستیابی به سطح بالایی از مهارت‌های شغلی موارد زیر را می‌طلبد: تعهد دولت و اکثریت بنگاه‌ها، حمایت گسترده مردم مسئولیت‌پذیری برای اطمینان از کمیت و کیفیت کافی آموزش، فرصت‌هایی برای شرکت همه افراد و گروه‌ها؛ تشویق جوانان و کارگران برای آموزش و روش‌های آموزش انعطاف‌پذیر. تاثیر هزینه دوره‌ها بر تقاضا توسط گروه‌های مختلف نیز حائز اهمیت است. ستیواتی و وایونو (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که عوامل تاثیرگذاری دوره‌ها، شامل شبکه، حمل و نقل

^۱ Gudyanga, Josephine & Lydia

^۲ Kumar, Shravanth & Venkata

^۳ Bacca, Silvia, Ramon & Kinshuk

^۴ Jovina, Bakar & Shamsiah

^۵ Sarri, Valkanos, Panda & Panitsides

^۶ Setyowati & Wiyono

عمومی، قیمت دوره‌ها، مشارکت جامعه، تعهد دولت (سیاست‌گذاری)، مدیریت منابع انسانی و کیفیت دوره‌ها است.

نتایج پژوهش اسکندری‌پور و همکاران (۱۳۹۸) حاکی از آن بود که سهم عوامل مربوط به مدرس، محیط آموزش و دانشجویان به ترتیب برابر با ۴۱، ۳۳ و ۲۶ درصد برآورد شده است. در این پژوهش از بین مؤلفه‌های مرتبط با مدرس، مهارت‌های حرفه‌ای مدرس به عنوان مهمترین مؤلفه با وزن ۳۶۱؛ و از بین مؤلفه‌های مرتبط با محیط آموزش، کیفیت محیط و شرایط آموزشی با وزن ۳۴۱ محاسبه شده است. نتایج پژوهش محمدزاده و بافنده زنده (۱۳۹۸) نشان داد عوامل آموزشی (منابع فیزیکی، منابع انسانی و مالی، برنامه‌های آموزشی و بازاریابی آموزشی)، عوامل سازمانی (محتوا، خط‌مشی، پشتیبانی و ارزشیابی) و عوامل محیطی (رقبای بازار کار، فرهنگ جامعه، قوانین و سیاست‌های دولت) سه عامل مهم کاهش کارآموزان آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای آزاد هستند. از مهمترین عوامل کارآمدسازی روند آموزش فنی حرفه‌ای ایران در پژوهش طاهر طلوع دل، سادات و علی دهی راوندی (۱۳۹۷) توجه به وضعیت جذب و اشتغال به میزان ۲۱ درصد، لزوم تحول نظام آموزشی به میزان ۱۳ درصد و فرآیند یاددهی-یادگیری به میزان ۸/۵ درصد، بودند. نتایج حاصل از پژوهش امین بیدختی، نجفی و شریعتی (۱۳۹۷) نشان داد که به ترتیب اهمیت سه عامل کلی مدیریتی، آموزشی و شایستگی‌های حرفه‌ای مربیان که در مجموع از شانزده مؤلفه تشکیل شده‌اند، جزء عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای محسوب می‌شوند. نتایج پژوهش زرافشانی، شرفی، قمبر علی و پورقاسم (۱۳۹۵) نشان داد که عوامل مؤثر بر جذب و نگهداشت کارآموزان در پنج عامل دسته‌بندی شدند. این عوامل به ترتیب اهمیت عبارتند از: عوامل مربوط به آموزش‌گر و آموزشگاه، حمایت سازمانی، توجه به شرایط کارآموز، عوامل فردی و ویژگی‌های دوره که در مجموع حدود ۶۰ درصد واریانس مربوط به نگهداشت کارآموزان را تبیین می‌کنند. جعفری هرندی (۱۳۹۴) در بررسی میزان کارایی بیرونی دانشگاه فنی و حرفه‌ای به عنوان یکی از عوامل جذب افراد در این مراکز در جامعه آماری آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای استان یزد، طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰، نشان داد که کارایی بیرونی در بعد فردی ۰/۶۵، در بعد اجتماعی ۶۳/۴ و در بعد اقتصادی ۰/۶۰ درصد است. نتایج پژوهش کریمی و سلیمی (۱۳۹۳) نشان داد که بازدید دانش‌آموزان از رویداد مسابقات ملی مهارت به ترویج فرهنگ مهارت‌آموزی در

بین قشر نوجوان و جوان می‌انجامد. نتایج پژوهش اختری، بشیریان و عارف خانی (۱۳۹۲) نشان داد که کلیه فرضیه‌های روند اجرای آموزش در مراکز فنی و حرفه‌ای، وجود مربیان ماهر و کیفیت برنامه‌ها و استانداردهای آموزشی ارائه شده در مراکز فنی و حرفه‌ای برجذب حداکثری جوانان به مسابقات ملی مهارت در استان خراسان شمالی تاثیر مثبت داشته است. نتایج پژوهش شیروانی (۱۳۸۸) نشان داد کیفیت و تنوع خدمات، تخصص مربیان، به روز بودن مهارت‌های آموزش از عمده عوامل مؤثر بر جذب جوانان ۱۸ تا ۲۸ سال در مهارت‌های فنی و حرفه‌ای است.

تحقیقات نشان می‌دهند عوامل زیادی در جذب جوانان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش دارند. جنسیت، علایق همسالان، هزینه و کیفیت آموزش‌ها، پشتیبانی خانواده‌ها، تخصص مدرسان، محتوای آموزشی، بازاریابی آموزشی و کارگاه‌ها و راهنمایی‌های شغلی، فرهنگ جامعه و غیره از جمله عوامل شناسایی شده‌اند. این عوامل به لحاظ پژوهشی دارای اعتبار هستند؛ ولی چند نکته را باید مورد توجه قرار داد؛ اولاً هرکدام از این پژوهش‌ها از روش‌شناسی‌های مختلفی استفاده کرده‌اند؛ ثانیاً ویژگی‌ها و جامعه هدف این تحقیقات متفاوت بوده است؛ نکته دیگر اینکه عوامل شناسایی شده بسیار پراکنده و وابسته به شرایط زمانی، مکانی و موقعیتی بوده‌اند. بنابراین می‌توان استدلال نمود که اعتبار این عوامل مستقل از زمینه نبوده‌اند که مبین شکاف اصلی در ادبیات موجود است. لذا تحقیق حاضر با کاربرد روش شناسی مناسب (نظریه‌ی داده بنیاد) در پی پاسخ به این سؤال است که مدل مناسب برای جذب جوانان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جامعه ایران به طور عام و در شهر یزد به صورت خاص و متناسب با موقعیت و زمینه فرهنگی آن چیست؟

روش‌شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر، از روش کیفی «نظریه مبنایی» استفاده شد. این روش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد که به جای اتکا به نظریه‌های موجود، خود به تدوین نظریه از طریق تحلیل مقایسه‌ای مشاهدات اقدام کنند (بازرگان، ۱۳۹۵).

میدان پژوهش همان جامعه هدف است که در پژوهش حاضر اساتید، کارمندان و مربیان حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای بودند. منظور از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این پژوهش، آموزش‌هایی است که در مراکز سه‌گانه‌ی سازمان فنی و حرفه‌ای شهر یزد برای کارآموزان هنرستان‌های کار و

دانش آموزش و پرورش و کارآموزان آزاد برگزار می‌شود. مشارکت کنندگان در این پژوهش ۱۲ نفر از اساتید، کارمندان و مربیان حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای شهر یزد بودند که با روش نمونه-گیری هدفمند نظری (استراوس و کرین، ۱۳۹۵) انتخاب شدند. در نمونه‌گیری نظری برای گردآوری اطلاعات، محقق با افرادی تماس برقرار می‌کند که در زمینه‌ی موضوع تحت بررسی یا جنبه‌هایی از آن، دارای اطلاعات و شناخت مناسب و نسبتاً کافی باشند (حریری، ۱۳۸۵). مبنای انتخاب افراد نمونه ایجاد تنوع حداکثری به منظور تکوین مدل پارادایمی بود. از مصاحبه دهم، اشباع نظری محرز شده بود اما به منظور کسب اطمینان دو مصاحبه تکمیلی انجام گرفت.

برای جلوگیری از سوگیری ابزار نیمه‌ساخت‌مندی با ۱۱ سوال حول محور ابعاد، مشخصات و مؤلفه‌های جذب جوانان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، عوامل مؤثر و راهبردهای جذب جوانان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در قالب ویژگی‌ها و الزامات، افراد و گروه‌های درگیر، موانع و عوامل تسهیل‌گر جذب جوانان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تغییرات ایجاد شده و موارد مشابه مطرح شد که محتوا، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و محیطی و نیز پیامدهای جذب جوانان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را استخراج می‌کند.

به منظور انجام مصاحبه پس از مشخص شدن افراد مصاحبه شونده، ساعت و مکان مصاحبه تعیین و دو روز قبل از انجام مصاحبه سؤالات برای ایشان ارسال شد. برای جلوگیری از مشکلات احتمالی، ضمن یادداشت برداری، ضبط کامل مصاحبه انجام شد. زمان تقریبی هر مصاحبه بین ۷۵ تا ۹۰ دقیقه متغیر بود. مصاحبه‌ها به وسیله دستگاه ضبط کننده صدا ضبط و با دقت روی کاغذ پیاده شدند.

برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، یعنی دقیق بودن یافته‌ها از منظر پژوهشگر، مشارکت-کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش (کرسول و میلر، ۲۰۰۰)، از راهبردهای تطبیق توسط

اعضا، بررسی همکاران و مشارکتی بودن و انعکاس‌پذیری پژوهشگر استفاده شد که در طی آنها برخی از مشارکت‌کنندگان گزارش نهایی مرحله نخست، فرآیند تحلیل یا مقوله‌های به دست آمده را بازبینی کرده و نظر خود را در ارتباط با آنها ابراز داشتند؛ چند تن از اساتید علوم تربیتی، به بررسی یافته‌ها و اظهار نظر درباره آنها پرداختند؛ به طور همزمان از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد و با توجه به پیشینه محقق در حوزه علوم تربیتی، سعی شد تا با تکیه بر پرسیدن سوالات باز و نیز کدگذاری با ذهن باز و با توجه به مسئله اصلی پژوهش در قالب مدل نظام‌مند استراوس و کربین به پیش رود تا در حد امکان از سوگیری‌ها احتراز شود.

یافته‌ها

در تحلیل مرحله‌ای یافته‌ها با استفاده از تکنیک‌های تحلیلی استراوس و کربین (۱۳۹۵) مفاهیم به عنوان واحد تحلیل در سطوح متن کل مصاحبه، پاراگراف، عبارت و جملات مورد توجه قرار گرفتند و با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط یا پاراگراف‌ها تلاش شد تا کدهای باز استخراج شوند. از طریق کدگذاری باز، ۴۰۸ مفهوم به دست آمد که با طبقه‌بندی این مفاهیم ۲۱ مقوله فرعی شکل گرفتند و در مرحله کدگذاری محوری حول ۹ مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند (جدول شماره ۱).

جدول ۱- کدگذاری باز، محوری و انتخابی

ابعاد مدل	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
مقوله محوری	جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	جایگاه اعتباری	گرایش بیشتر صاحبان صنایع و بازار کار نسبت به مدرک دانشگاهی، عدم اعتماد لازم به گواهینامه مهارت فنی و حرفه‌ای
		جایگاه فرهنگی - اجتماعی	وضعیت فرهنگی جامعه، مدرک‌گرایی، هویت اجتماعی، تأییدات اجتماعی، پذیرش فرهنگی

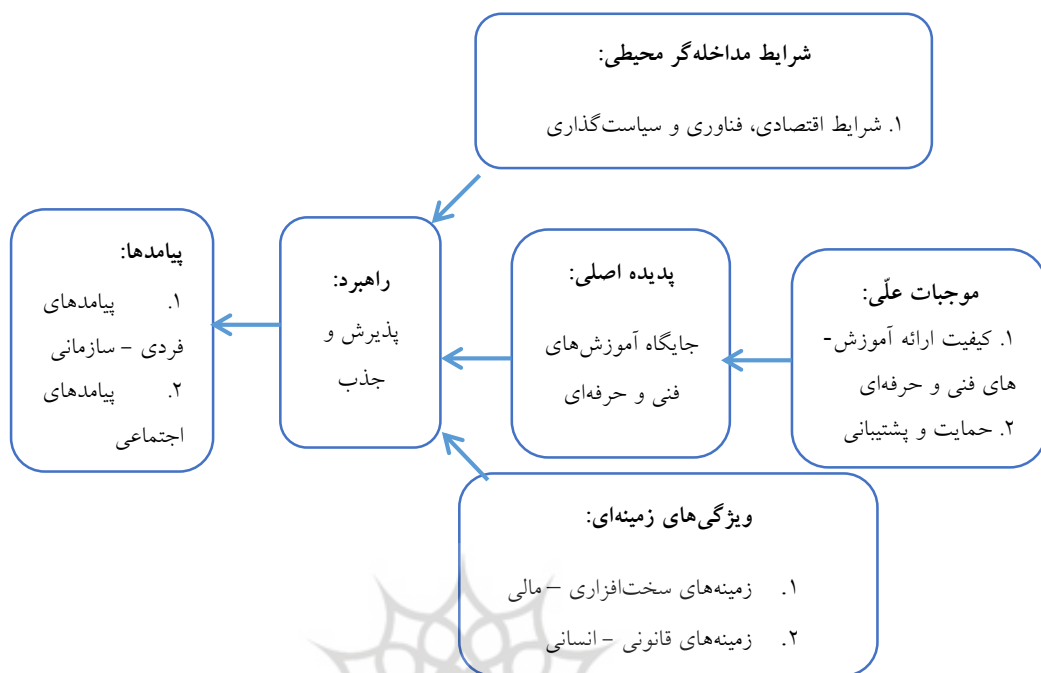
2 - Member Checking

3 - Peer Examination

ابعاد مدل	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
موجبات علی	کیفیت ارائه آموزش های فنی و حرفه ای	نیازسجی و برنامه- ریزی	کسب آگاهی از نیازمندی های نظام تولید، زمینه های کاربردی تر و مورد نیاز جامعه، برنامه ریزی صحیح تعداد نیروی انسانی
		استانداردهای کمی و کیفی آموزش ها	ارتقاء کیفیت مدیریت فرایند آموزش، استانداردهای جدید متناسب با نیاز جوانان، بهبود مستمر فرایند آموزش، تغییر ساختار کلان سازمان از تئوری آموزشی به مهارت آموزی
	حمایت و پشتیبانی	تعامل و جلب حمایت سایر نهادها	استفاده از ظرفیت های سایر نهادهایی همچون شهرداری ها و سپاه، تعامل هر چه بیشتر با بخش خصوصی شهرستان، تعامل با کارخانجات و صنایع سطح شهرستان، جذب در کارگاه های صنعتی
		حمایت مالی - تسهیلاتی	حمایت دولت از واحدها و مراکز، حمایت های مالی دولت، ایجاد تسهیلات اشتغال زایی، تخفیف های مالیاتی
		مشاوره و راهنمایی	مشاوره و هدایت شغلی، آشنایی کارآموزان با بازارهای کار، دادن آگاهی به جوانان، دادن آگاهی های لازم، هدایت صحیح
تبلیغات اثربخش	انجام تبلیغات در بین دانشگاهها، معرفی رشته های آموزشی، تبلیغات محیطی، تبلیغات در صداوسیما		
شرایط مداخله گر محیطی	شرایط اقتصادی، فناوری و سیاست گذاری	محیط اقتصادی	نرخ بالای بیکاری، شرایط اقتصادی یزد، نیاز مالی جوانان، درآمد بالای شغل های کاذب، رکود اقتصادی و تولیدی جامعه
		محیط فناوری	همگام نبودن آموزش با پیشرفت تکنولوژی، فناوری های نوین، بهره گیری از فناوری اطلاعاتی و نرم افزاری
		محیط سیاست گذاری	سیاست های توسعه آموزش، پایین آوردن سن آموزش، نبود رشته دانشگاهی برای برخی از حرفه ها، توسعه متوازن مراکز آموزشی
ویژگی- های زمینه ای	زمینه های سخت افزاری - مالی	مالیه آموزش فنی و حرفه ای	تأمین و تخصیص منابع مالی، به صرفه نبودن هزینه های آموزش، رایگان بودن، هزینه بالای آموزشگاه آزاد، پرداخت کمک هزینه
		امکانات و تجهیزات روزآمد	بروزکردن تجهیزات آموزشی، تجهیزات گران، داشتن تجهیزات کافی در هر حرفه، تناسب امکانات آموزشی با تقاضاهای آموزشی

ابعاد مدل	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
	زمینه‌های قانونی - انسانی	قوانین و مقررات	وضع و اجرای مقررات لازم برای تأمین، نارسایی قوانین و مقررات، تدوین چشم انداز بلند مدت، فقدان استانداردهای ملی شغلی
		حرفه‌مندی مربیان	افزایش مهارت و معلومات مربی همگام با پیشرفت تکنولوژی، به روز نبودن اطلاعات مربیان
راهبرد	پذیرش و جذب	پذیرش جوانان و خانواده‌ها	شأن اجتماعی خانواده‌ها، فرهنگ مهارت‌آموزی در خانواده‌ها، مقاومت جوانان، پذیرش جوانان
		انگیزه و علاقه‌مندی	ذوق ذاتی، علاقه‌مندی افراد، مشتاق شدن جوانان، ایجاد انگیزه
پیامدها	پیامدهای فردی - سازمانی	بهبود وضعیت معیشتی	بهبود وضعیت اقتصادی خانواده، توانایی کسب درآمد، بهبود وضعیت درآمدی مهارت‌آموزان
		توسعه منابع انسانی	افزایش اعتماد به نفس افراد آموزش دیده، تربیت افراد متخصص و ماهر، کسب مهارت و فناوریهای نوین، تربیت نیروی انسانی ماهر
	پیامدهای اجتماعی	اشتغال‌زایی و کاهش بیکاری	ایجاد اشتغال پایدار، جذب بهتر به بازار کار، جذب در کارگاههای صنعتی و تولیدی
		پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی	رفع آسیب‌های اجتماعی، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، کاهش آمار اعتیاد، کاهش بزهکاری

در طول فرایند کدگذاری انتخابی و فرایند تلفیق جهت یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه، متن مصاحبه‌های انجام شده چندین بار مورد بررسی قرار گرفت و بعد از مشخص شدن مقوله محوری و استفاده از آن جهت نزدیک کردن مقوله‌ها، عبارات و ایده‌هایی که بیانگر روابط بین مقوله‌های اصلی و فرعی بود مورد توجه قرار گرفت. نهایتاً مقوله‌های آشکار شده در قالب ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی، بصورت شرایط علی (۱مقوله)، مقوله محوری (جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای)، راهبرد (۱مقوله)، شرایط مداخله‌گر محیطی (۱مقوله)، ویژگی‌های زمینه‌ای (۲مقوله) و پیامد (۲مقوله)، جای گرفتند (شکل شماره ۱).



شکل ۱- مدل پارادایمی طراحی الگوی جذب جوانان شهر یزد به آموزش های فنی و حرفه ای

۱- پدیده محوری

پدیده اصلی عبارت از مقوله ای است که به ما می گوید «چه چیزی در جریان است؟». (فراستخواه، ۱۳۸۷). پدیده اصلی در پژوهش حاضر جایگاه آموزش های فنی و حرفه ای است که همه عوامل و تأثیرات در جهت توصیف آن حرکت می کنند. یکی از مصاحبه شونده ها، این گونه این مفهوم را می رساند: "با توجه به فرهنگ کار در جامعه ایران، دانش آموزان و والدین آنان بیشتر به مشاغل دولتی و استخدام رسمی علاقه مند هستند و رشته های فنی و مهارتی و کاردانش را مترادف اشتغال آزاد می پندارند و این امر در نگرش دانش آموزان به شاخه ی فنی حرفه ای و کاردانش تأثیر منفی دارد و همچنین در جامعه ما جوانان تحصیل را بیشتر به خاطر استخدام می پذیرند نه به عنوان

راهی برای کسب مهارت جهت اشتغال. به خاطر جا افتادن این فرهنگ، دانش‌آموزان گرایش بیشتری به انتخاب رشته‌های نظری دارند."

۲- موجبات علی

موجبات علی شامل دو مقوله اصلی کیفیت ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و حمایت و پشتیبانی است.

کیفیت ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: این مقوله از خرده مقولات نیازسنجی و برنامه‌ریزی و استانداردهای کمی و کیفی آموزش‌ها تشکیل شده است. مصاحبه‌شوندگان در خصوص این مقولات این گونه عنوان کرده‌اند: "آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تا حد زیادی می‌توانند در تأمین نیازهای سالانه اشتغال نیروی انسانی ماهر، در مناطق مختلف استان مؤثر باشند. در این زمینه نیاز به گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مقایسه با آموزش‌های نظری بیش از پیش احساس می‌شود و در نهایت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید با نیازسنجی از بازار کار، مهارت و دانش علمی مورد نیاز دنیای کار را ارتقا بخشد." "توسعه روزافزون مراکز آموزشی، اگرچه دسترسی را برای متقاضیان آموزشی فنی و حرفه‌ای آسان نموده، احساس نگرانی از افت کیفیت را نیز پدید آورده است، به همین جهت است که شعار ارتقای کیفی آموزش‌ها و پاسخگویی به نیاز بازار اشتغال، به عنوان یک رویکرد غالب در سازمان، مطرح شده است."

حمایت و پشتیبانی: این مقوله از ۴ مقوله فرعی تعامل و جلب حمایت سایر نهادها، حمایت مالی - تسهیلاتی، مشاوره و راهنمایی و تبلیغات اثربخش، تشکیل شده است. برخی از مطالب عنوان شده مرتبط با این مقوله توسط مصاحبه‌شوندگان به این شرح است: "برای بالاتر بردن میزان پذیرش، باید تسهیلات لازم را برای ورود افراد به بازار کار فراهم کرد. این تسهیلات می‌تواند وام-های کم بهره جهت شروع کسب و کار جدید و یا معرفی افراد به بازار و حمایت آنها باشد." "ناشناخته بودن نیازهای بازار کار، کمبود اطلاعات جدید مربوط به نیروی کار، کمبود مشاوران

حاذق و مطلع در هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش و کم توجهی به تشکیل سرمایه های انسانی را می توان از دلایل عدم جذب جوانان برشمرد". "تعامل نزدیک ما بین سازمان فنی و حرفه ای با نظام های آموزشی دیگر مثل مراکز علمی - کاربردی و یا کار و دانش به منظور پیشگیری از آموزش های تکراری و موازی و ارائه مشاوره آموزشی برای کارآموزان قبل از برگزاری دوره ها، در جذب جوانان به این آموزش ها بسیار مؤثر می باشد". "بهره گیری و استفاده از امکانات سازمان هایی مانند سپاه، شهرداری و ... می تواند بسیاری از نیازمندی های فراگیران آموزش های فنی و حرفه ای را برطرف کند و کیفیت آموزش ها را بهبود دهد".

۳- راهبردها

بر اساس ادراکات مصاحبه شوندگان راهبرد مواجهه با مقوله محوری جایگاه آموزش های فنی و حرفه ای، جذب و پذیرش این آموزش ها می باشد.

جذب و پذیرش: این مقوله از دو خرده مقوله پذیرش جوانان و خانواده ها و انگیرش و علاقه مندی تشکیل شده است. مصاحبه شوندگان در رابطه با این مقوله این طور اظهار نظر کرده اند: "عدم انگیزه کارآموز جهت یادگیری حرفه آموزشی، عدم رضایت کارآموز از دوره های آموزشی فنی و حرفه ای و عدم اشتغال جوانان بعد از یادگیری حرفه آموزشی، سبب دوری جوانان از یادگیری این نوع آموزش ها شود." "به دلیل توسعه و تلفیق آموزش مهارتی و معرفی برای پرداخت تسهیلات، امید در راستای افزایش ظرفیت ها وجود دارد و با توجه به تغییرات دنیای کار و تنوع حرفه ها اهمیت تربیت نیروهای ماهر دوچندان شده است".

۴- ویژگی های زمینه ای

زمینه های اثرگذار بر راهبردها شامل دو مقوله کلی زمینه های سخت افزاری - مالی و زمینه های قانونی انسانی می باشد.

زمینه‌های سخت‌افزاری- مالی: این مقوله از دو خرده امکانات و تجهیزات روزآمد و مالیه آموزش- های فنی و حرفه‌ای تشکیل شده است. مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با این مقولات این‌گونه اظهار داشته‌اند: "تناسب امکانات آموزشی با تقاضاهای آموزشی و ارتقاء کیفیت تجهیزات و امکانات کارگاه‌های آموزشی از الزامات ارائه آموزش‌های با کیفیت و جذب جوانان به این آموزش‌ها است". "آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با کیفیت، هزینه‌های نسبتاً بالایی دارند و آنها باید رشته‌ای انتخاب کنند که از پس خرج و مخارج و تجهیزات آن بر بیایند".

زمینه‌های قانونی- انسانی: این مقوله از دو خرده مقوله قوانین و مقررات و حرفه‌مندی مربیان تشکیل شده است. برخی از اظهارات مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با این مقوله به این شرح است: "در زمینه قوانین و مقررات هم نارسایی‌هایی وجود دارد که باید برای اصلاح آن اقدام کرد. در این زمینه اجرایی نشدن قوانین مصوب، نقش مهمی در کیفیت موجود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دارد". "تنوع بالای دوره‌ها و هزینه پایین آنها و استفاده از مدرسین با تجربه باعث جذب جوانان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌شود".

۵- شرایط مداخله‌گر محیطی

در پژوهش حاضر شرایط مداخله‌گر محیطی عبارت است از مقوله شرایط اقتصادی، فناوری و سیاست‌گذاری.

شرایط اقتصادی، فناوری و سیاست‌گذاری: این مقوله از سه خرده مقوله محیط اقتصادی، محیط فناوری و محیط سیاست‌گذاری تشکیل شده است. مصاحبه‌شوندگان در مورد این مقوله این‌طور عنوان کرده‌اند: "بیکاری ام‌الفساد است و افزایش بیکاری به واسطه معضلات و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن، دامن همه‌ی ما را می‌گیرد". "در عصری که فناوری‌ها مدام به روز می‌شوند می‌بایست برنامه‌های آموزشی نیز متناسب با تحولات باشند تا بتوانند نیازهای مهارت‌آموزان را

برآورده کنند". "با پایین آوردن سن آموزش و شروع آن از دوره دبیرستان می توان جوانان را بیشتر با بازار کار آشنا کرد و همچنین مهارت آموزی را نهادینه کرد".

۶- پیامدها

در این پژوهش پیامدها از دو مقوله کلی پیامدهای فردی- سازمانی و پیامدهای اجتماعی تشکیل شده است.

پیامدهای فردی - سازمانی: این مقوله از دو خرده مقوله ی بهبود معیشتی مهارت آموزان و توسعه منابع انسانی تشکیل شده است. مصاحبه شوندگان درباره این مقوله این گونه اظهار داشته اند: "روی آوردن جوانان به آموزش های فنی و حرفه ای و کسب مهارت های مورد نیاز بازار کار سبب می شود که آن ها در مشاغلی وارد شوند که درآمد آن ها را نسبت به مشاغل کاذب و ناپایدار بهبود می بخشد". "امروزه اکثر جوانان و کارفرمایان می دانند که در کنار تحصیلات دانشگاهی، کسب مهارت و فناوری های نوین از اهمیت ویژه ای برخوردار است و بهره گیری سازمان های صنعتی از مهارت آموزان این سازمان، راهی میانبر برای توسعه منابع انسانی آن ها محسوب می شود".

پیامدهای اجتماعی: این مقوله از دو خرده مقوله ی اشتغال زایی و کاهش بیکاری و کاهش آسیب های اجتماعی تشکیل شده است. مصاحبه شوندگان درباره این مقوله این گونه اظهار داشته اند: "آموزش های فنی و حرفه ای را می توان ظرفیت مناسبی برای اشتغال جوانان و همچنین بستری برای جلوگیری از آسیب های اجتماعی برشمرد و گفت: اگر جوانان با آموختن مهارت توانمند شوند هویت اجتماعی پیدا کرده و بسیاری از مشکلات که در حال حاضر با آن روبرو هستیم مرتفع خواهد شد". "ایجاد اشتغال قطعاً در پیشگیری از آسیب های اجتماعی مؤثر هست و باید با تبلیغات گسترده همراه باشد".

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اهمیت جذب جوانان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و تأثیر آن بر آینده کشور، پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی جذب جوانان شهر یزد به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای انجام شد. بر اساس نتایج به دست آمده از مصاحبه و کدگذاری‌های مختلف، به طور کلی ۹ مقوله در طراحی الگوی جذب جوانان شهر یزد به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شناسایی شدند.

مقول محوری در مرحله کدگذاری انتخابی تحت عنوان «جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای» کشف و روابط مقوله‌ها با هم مشخص شد. بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها مقوله‌هایی مانند کیفیت ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و حمایت و پشتیبانی به عنوان شرایط علی، باعث ایجاد چالش محوری جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌شود. آنچه در اکثر مصاحبه‌ها مشهود بود، این بود که غفلت از مباحثی مانند مشاوره و تبلیغات اثربخش، تعامل با سایر نهادها، نیاز سنجی و برنامه ریزی، اقدامات حمایتی، اعتبار گواهینامه مهارت و توجه به استانداردهای کمی و کیفی آموزش‌ها سبب شده که جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تحت تأثیر قرار گیرد. نتایج این تحقیق با پژوهش‌های محمدزاده و بافنده زنده (۱۳۹۸)، اختری و همکاران (۱۳۹۲)، شیروانی (۱۳۸۸)، ستیواتی و وایونو (۲۰۰۶) و ساری و همکاران (۲۰۱۳) همسو می‌باشد.

همانطور که نتیجه تحلیل داده‌ها نشان داد، افراد در مواجهه با پدیده جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، راهبرد پذیرش و جذب را به کار می‌گیرند. این یافته با نتایج پژوهش‌های طاهر طلوع دل و همکاران (۱۳۹۷)، جعفری هرنندی (۱۳۹۴)، کریمی و سلیمی (۱۳۹۳)، اختری و همکاران (۱۳۹۲) همسو می‌باشد.

بر اساس تحلیل داده‌ها و یافته‌های حاصله، شرایط و زمینه‌های عمومی و اختصاصی با چالش‌های جذب جوانان به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مرتبط می‌باشند و بر انتخاب نوع راهبرد اثرگذار هستند. شرایط اقتصادی، فناوری و سیاست‌گذاری، عوامل مداخله‌گر محیطی هستند که بر راهبردهای مواجهه با پدیده محوری جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اثر دارند.

نتایج این تحقیق با پژوهش های محمدزاده و بافنده زنده (۱۳۹۸)، جعفری هرندی (۱۳۹۴)، کومار، شروانت و ونکاتا (۲۰۱۹)، ستیواتی و وایونو (۲۰۰۶) همسو می باشد.

علاوه بر این بر اساس نتایج پژوهش حاضر، ویژگی های زمینه ای شامل زمینه های سخت افزاری - مالی و همچنین زمینه های قانونی - انسانی عواملی هستند که به عنوان شرایط زمینه ای اثرگذار بر راهبردهای مواجهه با پدیده محوری جایگاه آموزش های فنی و حرفه ای شناسایی شدند. این نتایج با پژوهش های محمدزاده و بافنده زنده (۱۳۹۸)، امین بیدختی و همکاران (۱۳۹۷)، زرافشانی و همکاران (۱۳۹۵)، گودیانا، جوزفین و لیدیا (۲۰۱۹)، باکا، سیلویا، رامن و کینشاک (۲۰۱۸)، ستیواتی و وایونو (۲۰۰۶)، ساری و همکاران (۲۰۱۳) همسو می باشد.

در نهایت نتایج تحلیل داده ها نشان می دهد که راهبردهای مواجهه با پدیده جایگاه آموزش های فنی و حرفه ای تحت تأثیر عوامل مداخله گر محیطی و شرایط زمینه ای منجر به پیامدهای فردی - سازمانی و پیامدهای اجتماعی می شود. نتایج این تحقیق با پژوهش های محمدزاده و بافنده زنده (۱۳۹۸)، زرافشانی و همکاران (۱۳۹۵)، جعفری هرندی (۱۳۹۴) همسو می باشد.

البته پژوهش حاضر با برخی محدودیت ها مواجه بود، از جمله، عدم بهره مندی از نظرات صاحبان صنایع و نظرات سیاستگذاران آموزش های فنی و حرفه ای؛ و در آخر فراهم نبودن شرایط مناسب، به دلیل شیوع کرونا، برای برگزاری مصاحبه های جمعی به صورت گروه های کانونی برای گردآوری داده های دقیق تر؛ یکی از دیگر محدودیت های این پژوهش بود.

با توجه به ماهیت پژوهش که طراحی الگوی جذب جوانان شهر یزد به آموزش های فنی و حرفه ای بود، بر اساس یافته های پژوهش، پیشنهاد می شود که با بالا بردن فرهنگ مهارت آموزی در بین خانواده ها و تغییر در نوع نگرش جامعه از طریق آموزش، انگیزه جوانان به فراگیری این نوع آموزش ها افزایش یابد. تبلیغات هدفمند و گسترده به منظور علاقمند نمودن جوانان به یادگیری آموزش های فنی و حرفه ای و افزایش سطح آگاهی آنان انجام شود. آموزش های فنی و حرفه ای بر

اساس یک نیازسنجی دقیق و مداوم، طراحی و به روزرسانی شود و با کیفیت بیشتری ارائه شود. منابع مالی مشخص برای رفع کمبودهای مربوط به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تأمین و تخصیص گردد. دوره‌های آموزشی به طور مستمر در جهت بالا بردن سطح مهارت مربیان برگزار گردد. هزینه دوره‌ها کاهش داده شود و با پرداخت کمک هزینه‌های آموزشی، در جهت افزایش اشتغال جوانان گامی بزرگ برداشته شود.

منابع

- اختری، ملیحه، بشیریان، سمیه و عارف‌نخانی، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی عملکرد آموزش فنی و حرفه‌ای استان خراسان شمالی بر جذب جوانان به مسابقات ملی مهارت، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه تربیتی، ۹، (۴)، ۱۰۷-۱۱۶.
- استراوس، آنسلم و کرین، جولیت. (۱۳۹۵). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه‌ی زمینه‌ای. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- اسکندری‌پور، شهرام، حاجی حسین نژاد، غلامرضا، علی عسگری، مجید و حسینی‌خواه، علی. (۱۳۹۸). تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت تدریس در دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، ۱۳ (۷)، ۳۲۹-۳۵۲.
- امین بیدختی، علی اکبر، نجفی، محمود و شریعتی، فرهاد (۱۳۹۷). شناسایی و اکتشاف عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: مطالعه‌ی با رویکرد آمیخته، فصلنامه تدریس پژوهی، ۶ (۳)، ۲۳-۳۸.
- امین خندقی، مقصود؛ جامه بزرگ، مرضیه و سعیدی رضوانی، محمود. (۱۳۹۱). نیازسنجی شایستگی‌های حرفه‌ای هنرآموزان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای بر مبنای مدل بوریچ و مدل تحلیل کوآدرانت، مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۲۱ (۲)، ۱۸۹-۲۲۴.
- بازرگان، عباس. (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: نشر دیدار.
- تالیف یونسکو. (۱۹۷۳). آموزش و کارآموزی معلمان فنی و حرفه‌ای، ترجمه اقبال قاسمی‌پویا. (۱۳۸۹). دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای و موسسه انتشارات فاطمی.

- جعفری هرنادی، رضا. (۱۳۹۴). بررسی میزان کارآیی بیرونی دانشگاه فنی و حرفه‌ای طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ (مورد پژوهش: آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای استان یزد)، مجله مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۵(۹)، ۲۰۵-۱۷۳.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- زرافشانی، کیومرث، شرفی، لیدا، قمبرعلی، رضوان و پورقاسم فاطمه. (۱۳۹۵). واکاوی عوامل مؤثر بر جذب و نگهداشت کارآموزان در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان کرمانشاه، مجله مدیریت و برنامه ریزی در نظام‌های آموزشی، ۹(۱۶)، ۱۱۵-۱۴۲.
- شیروانی، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر جذب جوانان ۱۸-۲۸ سال استان اصفهان جهت فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ارائه راهکارهای بهبود در جذب آن‌ها، هفتمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تهران: گروه پژوهشی آریانا.
- فراستنخواه، مقصود (۱۳۸۷). آینده‌اندیشی درباره کیفیت آموزش عالی ایران؛ مدلی برآمده از نظریه مبنایی (GT)، فصلنامه پژوهش برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۴(۵۰)، ۹۵-۶۷.
- طاهر طلوع دل، محمداصدق؛ سادات، سیده اشرف؛ علی دهی راوندی، راضیه. (۱۳۹۷). اعتلای روند آموزش فنی حرفه‌ای در ایران، نشریه علمی - پژوهشی فناوری آموزش، ۱۳(۲)، ۲۰۱-۱۸۹.
- کریمی، عباس و سلیمی، محمود. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر مسابقات ملی مهارت بر ترویج فرهنگ مهارت آموزی، سومین همایش ملی و دومین همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال. تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- محمدزاده، بهبود و بافنده زنده، علیرضا (۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش کارآموزان آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای آزاد، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۳(۴۴)، ۱۰۵-۱۱۹.
- نوری، فریده؛ یارمحمدیان، محمدحسین و نادى، محمدعلی. (۱۳۹۸). شناسایی شایستگی‌های راهبردی مورد نیاز در طراحی برنامه ریزی آموزشی هنرجویان فنی و حرفه‌ای. مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۷(۱۵)، ۲۸۲-۳۰۰.
- *Bacca, J., Baldiris, S., & Fabregat, R. (2018). Insights into the factors influencing student motivation in augmented reality learning experiences in vocational education and training. Frontiers in psychology, 1486, 1-13.*
- *Billet, S. (2011). Vocational education: purposes, traditions and prospects. Springer Dordrecht.*

- Brinia, V. (2011). *Project: a trainee-oriented training method, an empirical approach. Higher Education, Skills and Work-Based Learning*, 1(2), 169-186. <https://doi.org/10.1108/20423891111128926>.
- Gudyanga, A., Josephine, G. & Lydia, M. G. C. A. (2019). *Factors affecting the participation of rural male students in two vocational subjects in Zimbabwe, Journal of Cogent Education*, 6(1), 244-258.
- Hoeckel, K. (2008). *Costs and benefits in vocational education and training. Paris: Organisation for Economic Cooperation and Development*, 8, 1-17.
- Dania, J., Bakar, A. R., & Mohamed, S. (2014). *Factors Influencing the Acquisition of Employability Skills by Students of Selected Technical Secondary School in Malaysia. International Education Studies*, 7(2), 117-124.
- Kumar, R., Mandava, S., & Gopanapalli, V. S. (2019). *Vocational training in India: determinants of participation and effect on wages. Empirical Research in Vocational Education and Training*, 11(1), 1-17.
- McGrath, S. (2011). "Where to Now for Vocational Education and Training in Africa". *International Journal of Training and Research*. 9 (1): 35–48. doi:10.5172/ijtr.9.1-2.35.
- Sarri, C., Valkanos, E., Panda, D., & Panitsides, E. A. (2013). *Factors affecting participation in Vocational Education and Training: The case of Vocational Training Institutes in Greece. Multilingual Academic Journal of Education and Social Sciences*, 1(2), 76–90.
- Setyowati, E., & Wiyono, A. (2006). *Weighting Factors Affecting Vocational Education Development to Support Regional Potential. Education*, 22.